

## کارگران و جنبش اعتراض به تقلب در انتخابات

(به مناسبت انتخابات - ۷)

کمیته هماهنگی

پنجشنبه ۴ تیر ۱۳۸۸

یکی از دغدغه‌ها و پرسش‌های کارگران آگاه و فعالان کارگری در مورد اوضاع پیش آمده در جامعه این است که آیا شرکت کارگران در جنبشی که در اعتراض به تقلب در انتخابات ریاست جمهوری شکل گرفته جنبش کارگری را به سیاهی لشکر جنگ جناحی از طبقه سرمایه دار علیه جناح دیگر آن تبدیل نمی‌کند؟ به باور این کارگران و فعالان، در این که کارگران مثل شرایط پیش از انتخابات باید به مبارزه مستقل خود علیه سرمایه ادامه دهند بحثی نیست. اما مسئله آنان شرکت یا عدم شرکت کارگران در جنبش اعتراضی جاری است: آیا باید در این جنبش شرکت کرد و با طرح مطالبات ضد سرمایه داری طبقه کارگر و گرفتن رهبری آن از دست جناح اصلاح طلب سرمایه داری آن را به عرصه دیگری از مبارزه علیه سرمایه تبدیل کرد یا این که کارگران حتی در صورت شرکت سازمان یافته و با پرچم مطالبات ضد سرمایه داری خود باز هم به سیاهی لشکر یک جناح علیه جناح دیگر تبدیل خواهند شد؟

برخی افراد و جریان‌ها بر این باورند که شرکت کارگران در این جنبش حتی به صورت سازمان یافته و با پرچم مطالبات خود، آنان را به سیاهی لشکر یک جناح از طبقه سرمایه دار علیه جناح دیگر آن تبدیل می‌کند. اینان تأمین و حفظ استقلال طبقاتی کارگران در مبارزه علیه نظام سرمایه داری را از جمله درگرو عدم شرکت آنان در جنبش جاری اعتراض به تقلب در انتخابات می‌دانند. به زعم آنان، کارگران حتی اگر به صورت سازمان یافته و با پرچم مطالبات خود هم در این جنبش شرکت کنند باز هم نمی‌توانند رهبری و ابتکار عمل را از دست رهبران این جنبش بگیرند و در واقع آن را به ضد خودش تبدیل کنند.

یک علت اساسی چنین درک و رویکردی تصویر غیرواقعی و نادرستی است که این افراد و جریان‌ها از جنبش اعتراضی جاری در ذهن دارند. طبق این تصویر، جنبش اعتراض به تقلب در انتخابات جنبشی کاملاً انسجام یافته و متحد و متشکل و پا در رکاب جناح اصلاح طلب سرمایه داری است که توانسته است انبوه مطالبات آحاد متشکل در خود را به مطالبه تجدید انتخابات محدود کند. این تصویر مبتنی بر واقعیت نیست. اگر بپذیریم که اکثریت کسانی که در انتخابات اخیر شرکت کردند و سپس در اعتراض به نتیجه انتخابات به خیابان‌ها آمدند و با شعار «مرگ بر دیکتاتور» به جنگ و گریز با سرکوبگران پرداختند و به رغم تهدید شدن به ریختن خونشان باز هم به خیابان آمدند و با وجود ریخته شدن خون ده‌ها تن و مجروح و دستگیر شدن هزاران تن باز هم دارند به خیابان می‌آیند در واقع نه از حب علی بلکه از بغض معاویه در انتخابات شرکت کردند، به ناچار باید بپذیریم که این جمعیت میلیونی معترض نه پیروان سینه چاک میرحسین موسوی بلکه مخالفان سرسخت احمدی نژاد و جناح قدرتمند پشت سر او و به طور کلی کل نظام حاکم هستند (این نکته به وضوح از شعارهای معترضان در جریان درگیری‌های خونین روزهای اخیر قابل مشاهده است). افزون بر این، هرکس که تظاهرات میلیونی روز دوشنبه ۲۵/۳/۸۸ در تهران را به چشم خود دیده باشد میدانند که توصیف این تظاهرات به عنوان یک حرکت سازمان یافته و منسجم و دارای رهبری تثبیت شده‌ای که شعارهای مشخصی را از یک مرکزیت واحد صادر می‌کند توصیفی کاملاً نادرست و غیرواقعی است. بی‌گمان، فضای حاکم بر این تظاهرات عظیم فضای مخالفت با نتیجه انتخابات و اعتراض به تقلب در انتخابات بود و به این معنا در چهارچوب پذیرش انتخابات به عنوان یک سازوکار نظام سرمایه داری قرار داشت. اما در عین حال راه طرح شعارها و مطالبات دیگر - به ویژه اگر برای آنها برنامه ریزی و سازماندهی می‌شد - بسته نبود. متأسفانه این حرکت نتوانست ادامه یابد و در روزهای بعد به خون کشیده شد، درست به این دلیل که در صورت تداوم آن به عنوان تنها مجرای حضور میلیونی کارگران در خیابان مطالبات اساسی آنان تازه سرباز می‌کرد و با جایگزینی شعارهای آبکی و سطحی و «بند تنبانی» با شعارهای محکم ضد سرمایه داری و ضد استبدادی به سرعت معلوم می‌شد که در پس تظاهرات در چهارچوب «موج سبز» و اعتراض صرف به تقلب در انتخابات یک مخالفت میلیونی با نظام سرمایه داری حاکم نهفته است. بدین سان، اگر این تظاهرات ادامه می‌یافت، شرکت

سازمان یافته کارگران با پرچم مطالبات خود - حتی اگر با مخالفت احزاب اصلاح طلبی چون « مشارکت اسلامی» و « مجاهدین انقلاب اسلامی» هم روبه رو می شد - دست کم می توانست به بحث های گسترده در مورد کارگران و مطالبات آنان در سطحی میلیونی دامن بزند و بدین سان این مطالبات را در سطح کل جامعه مطرح کند.

ممکن است گفته شود که در صورت تداوم این حرکت، اصلاح طلبان نیز بیکار نمی نشستند و می کوشیدند رهبری خود را بر آن به طور کامل تثبیت و تحکیم کنند. در پاسخ باید گفت که اولاً اینجا نیز مانند سایر جاهای جامعه سرمایه داری عرصه مبارزه طبقاتی کارگران و سرمایه داران است و هر نیروی اجتماعی که سازمان یافته تر و بابرنامه تر و منسجم تر عمل کند، به همان میزان نیز رهبری خود را بیشتر و بهتر تضمین می کند. بدیهی است که اگر کارگران و فعالان کارگری دست روی دست بگذارند سرمایه داران و نمایندگان آنها در این مبارزه پیروزی شوند. اما حتی اگر اصلاح طلبان رهبری خود را به طور کامل تثبیت و تحکیم می کردند، باز هم تأثیر شرکت سازمان یافته کارگران بر بخش های کارگری این جمعیت منتفی نبود. در این مورد می توان شرکت فعالان کارگری در تظاهراتی « خانه کارگر» در اول ماه مه را مثال زد. تا آنجا که به سال های اخیر مربوط می شود، دست کم می توان تظاهرات سال های ۸۴ و ۸۵ و ۸۶ را شاهد آورد که در آن ها فعالان کارگری توانستند بر بستر حضور توده کارگرانی که خانه کارگر را قبول ندارند اما تنها مجرای حضور در خیابان را شرکت در تظاهرات آن می دانند در حد نیروی خود ابتکار عمل را از دست « خانه کارگر» بگیرند و شعارها و مطالبات خود را در میان این توده کارگران مطرح کنند. سال ۸۴، در ورزشگاه آزادی، فعالان کارگری فضای سالن را به ضد خود خانه کارگر تبدیل کردند، به طوری که هاشمی رفسنجانی - پدرخوانده «خانه کارگر» - که قرار بود برای سخنرانی به سالن بیاید از بیم این فضا از سخنرانی منصرف شد و از نیمه راه برگشت و به سالن نیامد. سال ۸۵، تظاهرات خانه کارگر در مقابل سفارت سابق آمریکا در ایران در خیابان طالقانی (تخت جمشید سابق) بود. در این تظاهرات نیز فعالان کارگری توانستند جمعیتی حدود ده هزار نفر را از بدنه تظاهرات خانه کارگر جدا کنند و با طرح شعارها و مطالبات رادیکال کارگری همراه این ده هزار نفر مقابل سفارت تا میدان فلسطین (کاخ سابق) راه پیمایی کنند. در سال ۸۶ نیز همین اتفاق در ورزشگاه شیروودی (امجدیه سابق) افتاد، به طوری که هنگام خروج کارگران از ورزشگاه جمع وسیعی از آنان تا میدان هفت تیر راه پیمایی کردند و پلیس به زور توانست آنان را در آنجا متفرق کند. حرکات سازمان یافته فعالان کارگری در این سه سال پیاپی و ناتوانی خانه کارگر در مهار آن ها باعث شد که در سال های بعد برای اول ماه مه دیگر به خانه کارگر مجوز راه پیمایی و تظاهرات خیابانی و حتی تجمع ندهند. خانه کارگر نیز که فهمید قادر نیست همان بدنه کارگری را که خود به صحنه آورده کنترل کند در سال های بعد به مراسم سخنرانی در سالن های کوچک و دورافتاده آن هم صرفاً برای اعضای دعوت شده خود رضایت داد و دم بر نیاورد. این ها همه نشان می دهد که حتی در صورت تثبیت کامل رهبری اصلاح طلبان بر جنبش اعتراضی جاری، که تنها راه به خیابان آمدن آن از طریق اصلاح طلبان است، برخورد فعالان برای تأثیرگذاری بر این جنبش هنوز هم منتفی نیست، چه رسد به وضعیت کنونی که در آن اولاً بدنه توده شرکت کننده در جنبش جاری یک بدنه مخالف جمهوری اسلامی است و، ثانیاً و به همین دلیل، رهبری اصلاح طلبان در آن به هیچ وجه تثبیت و تحکیم نشده است.

رویکرد و راهکاری که احراز صف مستقل کارگران در مبارزه طبقاتی را در گرو عدم شرکت در تظاهرات ها و تجمع های توده ای ( و نه مضحکه هایی چون «هخا») می داند، که در شرایط کنونی به ناچار در زیر پرچم این یا آن جناح از طبقه حاکم انجام می گیرد، در واقع همان رویکرد و راهکار سازمان های چپ مدعی نمایندگی طبقه کارگر در اوایل انقلاب را تداعی می کند. به یاد داریم که در حالی که ده ها هزار کارگر متشکل در « شوراهای کارگری شرق تهران» در روز اول ماه مه سال ۵۹ از میدان خراسان تا میدان شهدا (ژاله سابق) راه پیمایی می کردند، « سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر» به جای پیوستن به صفوف این کارگران و تلاش برای ارتقای مطالبات آنان به سطح مطالبات آگاهانه ضد سرمایه داری، در اطراف دانشگاه تهران و با سازمان « دال دال» اش پرچم سرخ برافراشت، با این خیال که گویا دارد مراسم اول ماه مه را با صف مستقل پرولتاریا برگزار می کند!! غافل از آن که صف مستقل طبقه کارگر با این گونه حرکات فرقه گرایانه و از موضع سرنگونی طلبی فراطبقاتی بلکه در جریان مبارزه با طبقه سرمایه دار و دولت آن از جمله در جریان شرکت در تظاهرات ها و تجمع هایی به دست می آید که به رغم رهبری ارتجاع سرمایه داری بر آن ها توده کارگران در آن ها حضور می یابند. ادعای تأمین و حفظ صف مستقل کارگران در مبارزه طبقاتی از طریق عدم شرکت در تظاهرات ها

و تجمع هایی که توده کارگران در آنها حضور دارند چیزی نیست جز توجیه انفعال در پوشش چپ نمایی.

## کارگران!

به رغم آن که میلیون ها انسان معترض و مخالف نظام حاکم فعلا با سرکوب خونین و وحشیانه نیروهای سرکوبگر سرمایه مواجه شده اند، به علت وضعیت پیچیده کنونی یعنی حدت یابی تضاد بین پایین و بالا از یک سو و اجبار دو جناح طرف دعوا در پافشاری بر موضع خود از سوی دیگر، این اعتراض ها و مخالفت ها در شکل های دیگر ادامه خواهد یافت. ما ضمن تأکید مجدد بر راهکارهای پیشنهادی پیشین در مورد تصرف کارخانه های در معرض تعطیل و اعتصاب در مراکز دایر و کلیدی کار و تولید، شما را به تشکیل شوراهای ضدسرمایه داری خود و حضور فعالانه در اعتراض ها و مخالفت های توده ای آینده با هدف طرح مطالبات ضدسرمایه داری طبقه کارگر و احراز رهبری کارگران بر این حرکت ها فرا می خوانیم.

**کارگران علیه سرمایه متشکل شویم!**

کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری

۳ تیر ۱۳۸۸

[www.hamaahangi.com](http://www.hamaahangi.com)

[khbitkzs@gmail.com](mailto:khbitkzs@gmail.com)